



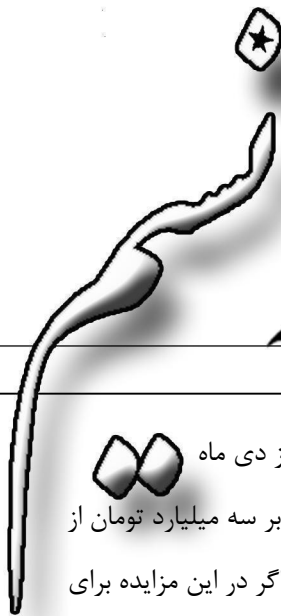
کارگران جهان متحد شوید

♦ شماره ۱۳۸

۲۷ ژانویه ۲۰۰۹

۸ بهمن ۱۳۸۷

کاسنامه



شد. کارگران شاغل از دی ماه ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروخته می شد که در این صورت کارگران ۹۰٪ از مطالبات خود را از دست می دادند در نتیجه تشکیل این شرکت تعاونی کارگران دستاورد های بسیار ارزنده ای برای آنها با خود به همراه داشت.

مهم ترین دستاوردی که در بازگشایی کارخانه می شود مد نظر قرار داد، بر سه محور خلاصه می شود:

یک آزادسازی سند مالکیت کارخانه بوده است که ۶ دانگ آن به تعاونی ارائه شد که سهام داران آن تمامی کارگرانی هستند که در این کارخانه شاغل بوده اند. دوم، طرح پیش از موعد بازنشستگی بوده است. که از زمان بازگشایی از مورخه ۸۶/۳/۲ تا به امروز بیش از ۸۰ نفر بازنشسته شدند و این مهم نیز گامی بسیار ارزشمند بوده است که جز با بازگشایی کارخانه عملی نمی شده است. سوم، از زمان بازگشایی، بیمه درمانی کارگران متحقق شد که خود بخشی از فشارهای روحی روانی کارگران را در این شرایط سخت تا حدودی تعدیل داد. البته مشکلات عدیده ای نیز بر سر راه ما قرار داشت: از جمله عدم نقدینگی، دورماندن از بازار فروش وعدم دسترسی به مواد اولیه، ماشین آلات نسبتاً فرسوده و عدم هماهنگی بین تولید و فروش. که در نتیجه شاید بیش از یک میلیارد تومان بر میزان بدهی کارخانه اعم از مطالبات کارگری، مواد اولیه و سایر دواپردولتی، همچون سازمان تأمین اجتماعی، گاز، برق و تلفن افزوده شد.

لازم به ذکر است که امروز کارگران، برای جبران این بدهی ها و وصول مطالبات خود راهی جز فروش کارخانه درپیش روی خود نمی بینند. و اما اگر سؤال شود شما از طریق کنترل کارگری آن هم در قالب

موفقترین کارخانجات کشور بوده است. از طرفی از نظر حقوقی در شهریور سال ۵۹ بخشی از سهام داران شرکت به داد گاه مراجعه و ورشکستگی شرکت را اعلام نمودند. بدلیل حفظ حقوق آنان، دادگاه پس از چندی رای به ورشکستگی شرکت را صادر کرد. بنابراین بعد از شهریور سال ۵۹ شرکت تحت پوشش اداره ورشکستگی تهران به تولید ادامه داد. مدیریت سازمان صنایع تا تیر ماه سال ۱۳۷۷ ادامه داشته و از تیرماه سال ۷۷ شرکت با ابقای مدیران دولتی، مستقیماً تحت مدیریت اداره تصفیه امور ورشکستگی تهران به فعالیت خود ادامه داد ولی با عدم درایت مدیران شرکت از سال ۱۳۷۷ لغایت ۳۰/۱۰/۸۱ (تاریخ انحلال و تعطیلی کارخانه) بالغ بر پنج میلیارد تومان با احتساب حقوق معوقه کارگران برای شرکت، بدهی بالا آوردند. قرار بود شرکت به بهانه انجام عملیات تصفیه و تعیین و تکلیف مالکیت از تاریخ تعیین شده ۶ ماه بطور موقت تعطیل شود که بعداً برای همیشه تعطیل گشت و بخشی از کارگران که مشمول کارهای سخت و زیان آور بودند بازنشسته گشته و اکثر کارگران هم با توجه به میزان سنوات کاریشان به بیمه بیکاری معرفی شدند.

کارگران شرکت که از دهه هفتاد از ایرپرسلان به چینی گیلان تغییر نام داده بود، بابت حقوق معوقه ۸ ماهه منتهی به ۳۰/۱۰/۸۱ و حق سنوات باز خریدی بالغ بر سه میلیارد تومان از شرکت طلبکار شدند که مقرر شد از محل فروش کارخانه کلیه مطالبات کارگران پرداخت گردد و چون در ۶ نوبت مزایده رسمی کارخانه بفروش نرفت، کارگران تصمیم گرفتند در قالب تشکیل شرکت تعاونی تولیدی بعنوان یک شخصیت حقوقی در آخرین مزایده حضوری، شرکت و کارخانه را به قیمت یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان خریداری نمایند و در تاریخ ۲۷/۱۲/۸۶ سند مالکیت کارخانه ۶ دانگ به تعاونی منتقل

بحث کنترل کارگری طی روزهای اخیر یکی از بحث های مهم جنبش کارگری است، تجربه یک کارگزار کارخانه چینی گیلان می تواند به این بحث از زوایای مختلف دامن زده و این بحث را غنا به بخشد. کمیته هماهنگی نیز در آینده ای نزدیک نظر خود را در باره کنترل کارگری ارائه خواهد داد لذا از تشکل ها و فعالین کارگری خواهش مندیم با توجه به این نمونه و نمونه های دیگر نظر خود را اعلام کنند.

با تشکر

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۲/۱۰/۱۳۸۷

یک تجربه از کنترل کارگری تحت حاکمیت نظام سرمایه داری

شرکت چینی سازی ایرپرسلان، سهامی خاص که در کیلومتر ۷ جاده لاکان رشت قرار دارد، توسط آقای مجید کاشانچی تأسیس شد واز نیمه دوم سال ۱۳۵۵ بهره برداری آزمایشی تولید با ظرفیت بسیار کم تا اواخر سال ۱۳۵۷ ادامه داشته است. در سال ۵۷ و همزمان با انقلاب، سهام داران اصلی، کارخانه را رها کرده و کارخانه تا اواخر سال ۱۳۵۸ توسط هیئت مدیره موقت اداره شد. بدلیل اینکه دارای بیش از ۲۵۰ نفر شاغل بوده و هر کدام بالغ بر ۶ ماه حقوق طلبکار بودند در نتیجه از اوایل سال ۵۹ و بعد از تأسیس سازمان صنایع ملی، این کارخانه بدلیل عدم دسترسی به سهام داران اصلی، مشمول لایحه ۶۷۳۸ شده و تحت پوشش سازمان صنایع ملی تا سال ۱۳۷۳ با مدیران دولتی اداره می شده است. که در زمان جنگ و با عدم واردات چینی از خارج، یکی از

شرکت تعاونی تا چقدر موفق بودید، باید بگویم که کنترل کارگری در یک جامعه ای که سیستم سرمایه داری بر تمامی مناسبات و شئون آن حاکم است طبیعی است که آب در هاون کوبیدن است و نتیجه طبیعی آن، فقط چانه زدن در جهت گرفتن امتیازاتی در حداقل های تعیین شده و آنهم صرفاً برای حفظ موجودیت و حفظ کردن حداقل هاست. البته نمی توان این نکته را زیاد برد که کارگران با همه مشکلات توانستند به مدت ۱۸ ماه کارخانه را اداره کنند و تجربیات بسیار ارزنده ای بدست بیاورند.

کارگری از چینی گیلان

۱۱ دی ۱۳۸۷

چرا مطالبه ی «کنترل کارگری باید در محور جنبش کارگری قرار گیرد؟ چرا

Janu, 2009

مازیار رازی

در دوره آتی مبارزات طبقاتی، با تغییر تناسب قوا به نفع کارگران، ما شاهد اشغال کارخانه ها و اعمال کنترل کارگری توسط کارگران خواهیم بود. از این رو بررسی مفاهیم اولیه این تجربه کارگری بسیار حائز اهمیت است. بحث و تبادل نظر در این مورد می تواند ما را به ابزار بُرنده تر و مؤثرتری در نبرد با سرمایه داری مجهز کند. در این مقاله به مفاهیم اساسی کنترل کارگری در دوره کنونی پرداخته می شود.

اخیراً مقالاتی در باره ی این موضوع توسط برخی از فعالان کارگری نگاشته شده است. متأسفانه هنوز مفهوم «کنترل کارگری» نه از لحاظ تاریخی و نه از لحاظ اهمیت طرح مطالبه انتقالی دوره کنونی به درستی درک نشده است. نمونه بارز این بد فهمی را می توان در مقاله اخیر آقای «جعفر عظیم زاده» تحت عنوان «نگاهی کوتاه به سیاست کنترل کارگری بر متن حاکمیت اقتصادی سیاسی بورژوازی» مشاهده کرد.

ایشان به اشتباه مدافعان طرح مطالبه «کنترل کارگری» را به کسانی منتسب میکنند که خواهان تحت کنترل قرار دادن و اداره کارخانه های "ورشکسته" اند! ایشان در مقابل مدعی است که: "این کنترل در دوران تلاطمات تعیین کننده اجتماعی که طبقه کارگر در آستانه کسب قدرت سیاسی قرار میگیرد بمثابة ابزاری

برای خلع ید از سرمایه داران و کنترل تولید توسط کارگران بکار گرفته میشود." مواضع مشابه به نظریات آقای جعفر عظیم زاده در این مدت توسط سازمان های سنتی مکرراً تکرار شده است و همه نشانگر عدم درک صحیح این طیف از چند موضوع اساسی است. اول؛ نداشتن آشنایی درست با مفهوم تاریخی و کنونی «کنترل کارگری» و دوم؛ نداشتن درک کافی از مطالبات انتقالی در عصر امپریالیسم بعنوان یک تاکتیک مهم دخالتگری در جنبش کارگری علیه نظام سرمایه داری. در این مقاله کوشش می شود که به شکل مثبت به این نکات اساسی اشاره شود تا تبادل نظرها بتوانند در مسیر صحیح به نتیجه مطلوب برسند.

مفهوم مارکسیستی کنترل کارگری

پیش از پرداختن به توضیح مفهوم «کنترل کارگری» در دوره کنونی (پیشا برکناری نظام سرمایه داری)، می بایست به مفهوم کلاسیک کنترل کارگری پرداخته شود.

مارکسیست های انقلابی بر این باورند که پس از کنار گذاشتن نظام سرمایه داری توسط قدرت کارگری، جامعه وارد یک مرحله انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم می گردد. به قول کارل مارکس (در جزوه نقدی بر برنامه گوتا) در این دوره وجه تولید غیر کاپیتالیستی در جامعه حاکم شده؛ اما وجه توزیع کماکان بورژوازی باقی میماند. زیر انقلاب سوسیالیستی از بطن جامعه سرمایه داری متولد شده و بسیاری از ناهنجاری های بورژوازی، تا رشد کیفی نیروهای مولده در سطح جهانی، برای دوره ای باقی خواهد ماند.

همچنین صاحبان قدرت نوین، طبقه کارگر، از آنجایی که آمادگی اعمال مدیریت کارگری نداشته، کماکان برخی از مناسبات جامعه بورژوازی را اجباراً بایستی حفظ کنند. باید واقف بود که روز پس از انقلاب کارگری، نمی توان با جایگزین سازی تکنیسین ها (یا حتی مدیران وابسته به سرمایه داری) با کارگران در کارخانه ها تمام مسایل فنی و راه اندازی کارخانه ها را به یکباره حل کرد. باید واقف باشیم که کارگران برای اعمال مدیریت کارگری بایستی تجربه و آمادگی قبلی داشته

باشند. در جامعه بورژوازی، کارگرانی که حداقل بیش از ۸ ساعت در روز (به اضافه چند ساعت ایاب و ذهاب) کار کرده و هیچ امکان سازماندهی امور تولیدی را نداشته، نمی توانند به صرف کسب قدرت سیاسی بلافاصله تمام امور را به صورت حرفه ای خود بدست گیرند. از اینرو نیاز به دوره ای است که کارگران به اعمال مدیریت و کاردانی آشنایی پیدا کنند. در این مورد نیز نیاز به یک دوره انتقالی است. اما در این دوره انتقالی کنترل تولید و توزیع باید در دست خود کارگران باشد. این نظریه، «کنترل کارگری» نام گرفته است، این دوره، دوره ای است که حکومت کارگری در بسیاری از ادارات و کارخانه ها و مؤسسات از همان مدیران و افراد با تجربه ای که پیش از انقلاب، کارخانه ها را می چرخاندند، استفاده خواهد کرد، اما تحت «کنترل کارگری».

کارگران در این دوره وقت تنفس می یابند تا در تمام سطوح کار اداری و مدیریت آشنایی پیدا کرده و پس از آن، تمام امور را بدست خود گیرند، بدون اینکه لطمات اقتصادی جبران ناپذیر، به علت عدم آمادگی اداره امور، به طبقه کارگر و جامعه نوین سوسیالیستی، تحمیل گردد.

مفهوم اولیه کنترل کارگری (به ویژه متکی بر تجربه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه) از این موقعیت ویژه سرچشمه می گیرد. یعنی دوره ای بلافاصله پس از نابودی نظام سرمایه داری که کارگران هنوز زمان یادگیری امور فنی را نداشته و مجبورند که با استخدام تکنیسین ها و مدیران و کاردانان پیشین، زمانی برای تعلیم تمام امور و انتقال تجربه مدیریت کارگری به کارگران جوان، داشته باشند. اما وجه مشخصه و یا تضمین توفیق این دوره این است که تمامی کنترل و نظارت تولید و توزیع در دست خود کارگران باشد؛ یعنی کنترل کارگری اعمال گردد (تا اینجا شاید کم و بیش این مفهوم مورد توافق منقدین طرح مطالبه کنترل کارگری قرار گیرد). اما در جامعه سرمایه داری چه (موضوعی که مورد بد فهمی و اختلافات است)؟ بدیهی است که همان مفهوم از «کنترل کارگری» و همان مضمون می تواند در جامعه سرمایه داری نیز طرح گردد. کارگران از طریق اعمال یک سلسله مطالبات انتقالی (مطالباتی که توسط دولت سرمایه داری قابل تحقق نبوده و منجر به تشدید رودر رویی کارگران

ها و بدست گرفتن کنترل بر تولید و توزیع تمام تزویر های سرمایه داران مبنی ضرردهی کارخانه و توجیه اخراجها و غیره را برملا کند؛ این تشکل چیزی به جز تشکل مستقل کارگری نمی تواند باشد و هم چنین مبارزه حول هر یک از این مطالبات انتقالی می تواند مبارزه ای برای کسب تجربه کنترل کارگری باشد. در واقع تنها شیوه کسب اعتماد به نفس و کسب آگاهی ضد سرمایه داری در جامعه سرمایه داری از طریق تجربه موارد ذکر شده است.

"ورشکستگی" کارخانه ها؟

اول، طرح موضوع "ورشکستگی" کارخانه در جامعه تنها توسط خود سرمایه داران و مدیران کارخانه اعلام می گردد. تعیین "ورشکستگی" کارخانه و یا قابلیت آن به تداوم تولید، خود نیاز به باز شدن دخل و خرج کارخانه دارد.

اگر سرمایه داران ادعا می کنند که کارخانه "ورشکسته" شده است، کارگران در مقابل به آنها می گویند: "دفاتر دخل و خرج را باز کنید!" بگذارید همه کارگران ببینند که این کارخانه چه مقدار تولید کرده و چه مقدار مخارج داشته است.

فعالان جنبش کارگری نباید تحلیل ها و نظریات سرمایه داران را بدون مورد سؤال قرار دادن آن بپذیرند! واقعیت این است که اگر دفاتر دخل و خرج کارخانه باز گردد، مشاهده خواهد شد که این کارخانه ها می توانند تحت نظارت خود کارگران و بدون حیف و میل حقوق های کلان مدیران و برنامه ریزی صحیح سود آور باشند.

اما منظور واقعی سرمایه داران این است که در این حوزه (برای نمونه نساجی در کردستان)، سرمایه آن طور که باید و شاید سودآور نیست، تاملتا در حوزه ساختمان سازی در حوالی تهران. به سخن دیگر سرمایه از یک حوزه سود آور به حوزه بیشتر سود آور گرایش پیدا می کند. برای توجیه این انتقال ساده، سرمایه داران اعلام می کنند که کارخانه موجود "ورشکسته" شده است.

دوم، در جامعه ای که در آن حدود ۸۰ درصد صنایع و اقتصاد کشور در دست دولت می باشد، مطرح کردن خواست باز کردن دفاتر دخل و خرج در مقابل "ورشکسته" اعلام شدن یک کارخانه یا واحد تولیدی دولتی، می تواند که

مدیران آن است، کسب تجربه کنترل کارگری تنهایی تواندمستقل از تمامی نهادهای وابسته (و افراد و احزاب وابسته) به دولت صورت گیرد. هر دخالت و یا حضور سیاسی و تشکیلاتی عوامل، نهادهای و احزاب، این روند را مسدود خواهد کرد. زمانی که تصمیم اینکه چه کالاهایی بایستی تولید شوند؛ چه نوع کارخانه ای تأسیس گردد؛ چه تعداد کارگر استخدام گردد؛ بهای تولیدات چقدر باشد؛ شرایط فروش چگونه باشد؛ دستمزدها و ساعات کار و حقوق مدیران و یا تصمیم پیرامون امکانات رفاهی، جریمه، پاداش، اخراج و ترفیع رتبه و غیره چقدر باشد..... همه و همه برعهده سرمایه داران و مدیران انتصابی آنها باشد، هیچگاه کارگران تجربه عملی برای اداره امور خود را نخواهند یافت. دخالت های برخی از کارگران در «مدیریت» و طرح های «خودگردانی» و «مشارکت» (در این مورد در زیر توضیح داده خواهد شد) نه تنها هیچ تغییری در موقعیت کارگران نمی دهد که امر تجربه کنترل کارگری را به تعویق انداخته و آنها را به اسرای مدیران مبدل می کند.

البته سرمایه داران از این موقعیت ویژه و قدرت مطلق خود برای پیشبرد مقاصد خود، یعنی کسب سود بیشتر، استفاده می کنند. از اینرو است که کوچکترین اقدام کارگران مانند کم کاری، گند کاری و یا یک اعتصاب، کل منافع هیئت حاکم را به مخاطره می اندازد. کارگران پیشرو در تقابل با این شیوه ها، محققا خواهان نظارت و کنترل مستقیم بر کلیه امور تولیدی، در جریان قرار گرفتن اسرار معاملاتی سرمایه داران، کسب اطلاع درباره دخل و خرج کارخانه، اطلاعات درامور و ام گیری کارخانه ها از بانک های داخلی و خارجی، میزان دستمزدها و حقوق مدیران، سود و زیان کارخانه، علت اخراج یا ارتقاء کارگران و غیره هستند. سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان موظفند که تمام اطلاعات مربوط به کارخانه را در اختیار کارگران قرار دهند اما بدیهی است که چنین نمی کنند. از اینرو مبارزه برای این مطالبات ابتدایی نیاز به سازماندهی مستقل دارد. ایجاد تشکلی که از طریق مبارزه درصدد کسب این حقوق پایه ای برآید و توسط شیوه هایی نظیر اشغال کارخانه

و دولت سرمایه داری می گردد) در عمل تجربه کنترل کارگری را بدست آورده و خود را برای حکومت آتی خود آماده می کنند. به سخن دیگر، طبقه کارگر برای تدارک اعمال مدیریت کارگری، پس از سرنگونی نظام سرمایه داری، ضروری است که سازماندهی تولید و توزیع را در درون نظام سرمایه داری نیز تجربه کند. برای این امر، آنها بایستی در وهله نخست اعتماد به نفس لازم را کسب کنند. آنها بایستی سازماندهی راه اندازی چرخ های اصلی صنایع را بدست گرفته و به خود و سایرین در عمل نشان دهند که صاحبان اصلی ابزار تولید، خود آنها هستند.

نخستین گام در این راه نیز اعمال کنترل و نظارت مستقیم بر تولید در سطح هر کارخانه و کارگاه هست. تجربه حاصله از یک اعتصاب و یا یک اشغال کارخانه و گرفتن امور اداری و تولید به دست خود، زمینه اولیه کنترل کارگری را فراهم می آورد. اینکه سرمایه داران کنترل را به کارگران واگذار می کنند و یا نمی کنند در محور این بحث قرار ندارد. در واقع باید فرض را بر این گذاشت که سرمایه داری در مقابل این خواست مقاومت کرده و این امر اصولا قابل تحقق در نظام سرمایه داری نمی باشد. سؤالی که در اینجا توسط منقدین طرح می گردد این است که اگر سرمایه داران، کنترل و نظارت را به کارگران واگذار نمی کنند چرا باید اصولا چنین مطالبه ای طرح گردد؟ در پاسخ به این نکته باید اعلام شود که عدم واگذاری کنترل کارگری به کارگران مرحله نوینی از مبارزات ضد سرمایه داری را با آگاهی بالاتر کارگران با دولت به دنبال خواهد آورد. در واقع طرح این مطالبه پلی ایجاد خواهد کرد بین آگاهی کنونی کارگران در مورد نحوه ی سازماندهی امور خود و مرحله رودرویی نهایی با نظام سرمایه داری. اساس مطالبه انتقالی در عصر امپریالیسم در این نکته نهفته است که متأسفانه مورد توجه منقدان قرار نمی گیرد. آنها طرح مطالبات کارگری را یک بغدی و براساس این روش چانه زنی (سندیکالیستی) یا سرمایه داری می پندارند. در نتیجه با چنین موضعی به ناچار در جبهه رفرمیست ها قرار می گیرند.

اما، در جامعه سرمایه داری، از آنجایی که کنترل اکثر امور جامعه در دست طبقه حاکم و دولت و

نه فقط دست فاسد مدیران را رو کند، بلکه معاملات پشت پرده ی دولتی و «آقازاده» ها را نیز برملا کند.

همچنین "ورشکسته" شدن حتی یک کارخانه ی دولتی بیانگر "ورشکستگی" سیاست های توسعه ی اقتصادی و رشد صنایع (حداقل) دولت فعلی را نشان می باشد! و در طی پروسه ای کارگران می توانند به این نتیجه ی منطقی برسند که در واقع کل نظام سرمایه داری "ورشکسته" می باشد. واگر یک کارخانه یا واحد تولیدی ی دولتی تحت کنترل کارگران قرار گیرد، به خصوص اگر آن در بخش حیاتی ی نفت و گاز باشد، رودرویی ی کارگران فقط با مدیریت نخواهد بود، بلکه بلافاصله به رودرویی با دولت بورژوازی تبدیل می شود. چنین رودرویی ای می تواند بسیار سریعتر به واحد های دیگر، صنایع متفاوت و نقاط جغرافیایی دور گسترش پیدا کند؛ و جنبه ی ضربه ای بر علیه کل بورژوازی به خود بگیرد! با تأسف برخی از فعالان جنبش کارگری (مانند آقای جعفر عظیم زاده) بدون مقاومت در مقابل ادعای کاذب سرمایه داری، آن ادعاها را تکرار کرده و یکی از شیوه های مؤثر مطالبات انتقالی کارگری (کنترل کارگری در وضعیت کنونی) را مردود اعلام می کنند.

اکنون برای روشن شدن این موضوع می پردازیم به مفهوم مطالبات انتقالی.

کاربرد برنامه ی انتقالی در جنبش کارگری

مطالبات کارگری را نمی توان به صورت تصنعی و فرمول واربه طبقه کارگر تحمیل کرد. حداقل نطفه های آن مطالبات بایستی در درون خود جنبش کارگری به نقد شکل گرفته باشند. شعارهای محوری کارگری از یک سواز دل جنبش کارگری ظاهر می گردد و از سوی دیگر نقش تقویت کننده سازمان دهی و برنامه ریزی درازمدت در جامعه ی سرمایه داری را ایفا می کند. مثلا در سالهای اخیر در کارخانه ی بارش اصفهان و چند سال پیش در کارخانه ی کشمیر و اخیرا در اعتراضات کارگران کارخانه ی هفت تپه ما شاهد این هستیم که اولین برخوردهایی که طبقه ی کارگر و کارگران با نیروهای انتظامی می کنند از شعارهای معمول فراتر می روند، مثلا زمانی که چند کارگر دستگیر می شوند،

سایر کارگران به شعار آزادی زندانیان سیاسی می رسند؛ و پس از آن به شعار تشکیل سندیکا رسیده و سپس که رژیم قصد دارد با آن ها باب یک سلسله مذاکرات و چانه زنی ها را باز کند، و نشان داده می شود که دولت به کذب بیان می کند که درآمدی حاصل از این کارخانه ها نیست و این کارخانه ها باید بسته شود، طبقه ی کارگر عموما شعار کنترل کارگری را مطرح می کند. این تغییر کیفی که در ارتباط با وضعیت آگاهی طبقه ی کارگر ملاحظه می کنیم، ریشه در همین مبارزات چند سال پیش طبقه ی کارگر دارد. بنابراین این مسئله بسیار حائز اهمیتی در مورد پیشرفت جنبش کارگری است.

برای بررسی شعارها محوری کنونی جنبش کارگری، در ابتدا باید مفهوم «مطالبات کارگری» روشن شود و سپس مطالبات محوری از آن استنتاج شود. مطالبات عموما به سه دسته تقسیم می شوند: **مطالبات دموکراتیک، مطالبات «حداقل» و مطالبات «انتقالی».**

اول؛ مطالبات دموکراتیک: آن دسته از شعارهایی هستند که الزاما با سلطه ی سیاسی بورژوازی در تضاد نیستند، اما حقوق پایه ای کلیه ی قشرهای تحت ستم را گسترش می دهند. برای نمونه خواست هایی مانند آزادی حق بیان، تشکل و اعتصاب، آزادی تأسیس سندیکاهای کارگری، آموزش و پرورش مجانی و همگانی، لغو قوانین حقوقی و جزایی ارتجاعی، برابری کامل زنان و مردان در کلیه ی سطوح، آزادی و احترام به حقوق و حیثیت بشری، حق شکایت و دادگاهی کردن هر مقام دولتی توسط هر شهروند و غیره، شامل «مطالبات دموکراتیک» هستند.

گرچه مبارزه برای حقوق دموکراتیک همواره یکی از مبارزات عمده ی کمونیست ها بوده و هست، اما در کشورهایی نظیر ایران تحقق چنین خواستهایی، مگر در وضعیت استثنایی، غیرعملی است. زیرا که اختناق حاکم حتی تحقق چنین خواست هایی را نمی تواند برای مخالفان خود در درون هیئت حاکم تحمل کند. با این وجود، چنین خواست هایی در برنامه و تبلیغات کارگری جای دارند و تبلیغات حول

آن ها باید صورت پذیرد. زیرا به علت وضعیت اختناق، گاهی نیز آن مطالبات به شعارهای محوری کارگران مبدل می گردند.

طرح شعارهای دموکراتیک از این زاویه حائز اهمیت هستند که در وهله ی نخست کارگران باید این امکان را بیابند که خود را سازمان دهند. بدون سازمان دهی تشکیلاتی و سیاسی، کارگران قادر به ایفای نقش انقلابی خود نخواهند بود. و هم چنین طی این مبارزات کارگران به ماهیت طبقاتی دولت (ونه صرفا شکل حکومت استبدادی) پی خواهند برد. علاوه بر این ها، برای آن که طبقه ی کارگر بتواند کلیه ی قشرهای تحت ستم را که خواست هایی عمدتاً دموکراتیک دارند، به جهت مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی جلب کند، مطالبات دموکراتیک را باید از «آن» خود کند.

دوم؛ مطالبات سنتا «حداقل»: که آن ها نیز نظام سرمایه داری را نفی نمی کنند. مطالباتی نظیر حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی، بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد و غیره از جمله این خواست ها هستند. اهمیت این مطالبات در اواخر قرن نوزدهم بسیار زیاد بود. زیرا که حزب های سوسیال دموکرات می توانستند، به اصلاحاتی به نفع کارگران دست یابند. اما این خواست ها، امروزه، حتی در کشور های غربی کم رنگ شده اند، زیرا بورژوازی در حال پس گرفتن بسیاری از «اصلاحات» گذشته است. تحقق این خواست ها در کشورهایی نظیر ایران نیز (مانند مطالبات دموکراتیک) یا غیر قابل تحقق اند و یا چنان چه بخشا تحقق یابند، عمدتا «اصلاحاتی» به نفع رژیم هستند و نه طبقه ی کارگر. اما علیرغم این ها، مبارزه حول این شعارها نیز ضروری است.

سوم؛ مطالبات «انتقالی»: اند که تحقق نهایی آن ها مستلزم شکسته شدن چارچوب نظام سرمایه داری است. این مطالبات شامل شعارهایی مانند افزایش دستمزد ها متناسب با تورم، کاهش ساعات کار متناسب با افزایش بیکاری، باز کردن دفترهای دخل و خرج شرکت ها، کارخانه ها و بانک ها، نظارت مستقیم کارگری برای تدوین قوانین موجود، کنترل بر تولید و توزیع و غیره می باشند.

مدیران و نظارت دولت بورژوازی، یکی از حیل‌های قدیمی سرمایه داران برای کنترل بر امور کارگری است. نه تنها دولت‌های سرمایه داری غربی و آمریکای شمالی چنین سیاست‌هایی را سال‌هاست که طرح و در مواردی به اجرا گذاشته‌اند، که حتی دولت جمهوری اسلامی نیز بر این نظر همسویی نشان داده است.

طرح مشارکت کارگری توسط نمایندگان سرمایه داری و خادمان آنها در جنبش کارگری مطلب نوینی نیست. این گونه طرح‌ها در هیچ قسمت جهان به نفع کارگران نبوده و تنها زنجیرهای اسارت آنها را تقویت کرده است. کافی است به عملکرد این قبیل طرح‌ها در نظام جمهوری اسلامی نظر افکنده شود. پس از نزدیک به یک دهه از طرح مشارکت و مدیریت کارگری، نه تنها سهمی از تولید نصیب کارگران نشده که حتی حقوق‌های عقب افتاده نیز به آنها داده نمی‌شود. این چه مشارکت و مدیریتی است که کارگران حتی موفق به دریافت دستمزد ناچیز خود در ازای کار مشقت بار، نمی‌شوند؟ طبعاً چنین سیاستی در کشوری نظیر ایران آزمایش خود را پس داده است. اما در کشورهایی که در آنها دموکراسی بورژوازی حاکم است چه؟

بحث پیرامون این مبحث در میان رفرمیست‌های اروپایی و مارکسیست‌های انقلابی بیش از یک قرن است که در جریان است. برای نمونه در دهه بیست در بحبوحه اشغال کارخانه‌ها در ایتالیا توسط کارگران، طرح لایحه پیش‌نهادی «مشارکت کارگران در مدیریت» کارخانه توسط یکی از نمایندگان پارلمان (جیولیتی) ارائه داده شد. این طرح مورد استقبال بسیاری از رفرمیست‌های درون جنبش کارگری نیز قرار گرفت. هدف اصلی طرح لایحه مسدود کردن مبارزات کارگری برای کسب قدرت سیاسی بود. در مقابل این نظریات رفرمیستی، آنتونیو گرامشی در این مقطع در جبهه موضع مارکسیسم انقلابی قرار گرفته و نوشت:

"برای کمونیست‌ها برخورد به مسئله کنترل همچون برخورد به مهم‌ترین مسئله عصر کنونی است. یعنی برخورد به مسئله اعمال قدرت کارگری بر وسایل تولید و در نتیجه دستیابی به قدرت دولتی. از چنین دیدگاهی، طرح لایحه،

شوراها در ایران به تعریف مفهوم «کنترل کارگری» پرداخته است. به اعتقاد وی «شوراهای کار با نقش کنترل کارگری به مفهوم مطلق آن، یعنی کنترل تولید، مدیریت و توزیع، به تنهایی توسط کارگران هرگز و در هیچ جا عملی نشده است. آن چه... اتفاق افتاده، اشکال و درجات مختلف دموکراسی صنعتی و مشارکت کارگری بوده است... می‌توان ادعا کرد که دموکراسی صنعتی تنها شیوه عملی و مقبولی است که در آن، طبقه‌ی کارگر حداقل در مقطع کنونی از تحول جامعه‌ی بشری، می‌تواند از حقوق خود دفاع کند...» (ص ۵۲). او ادامه می‌دهد که «در مرحله بالاتر یعنی مرحله‌ی «مشاوره»، مدیریت با کارگران در اتخاذ تصمیمات مشاوره می‌کند... و بالاخره در بالاترین سطح مشارکت یعنی «خودگردانی» کارگران در سطوح مختلف امور را به عهده می‌گیرند... این خودگردانی در واقع چیزی جز کنترل کارگری نیست.» (ص ۵۳-۵۴).

به سخن دیگر مسئله کنترل کارگری که قرار است کسب قدرت کارگری را برای تشکیل حکومت کارگری زمینه‌ریزی کند، به زعم ایشان از آنجایی که هیچ‌کجا کنترل کارگری (البته به مفهوم مطلق آن!) اعمال نشده پس کارگران باید به خدمت بورژوازی درآمده و دست «دوستی» به سوی مدیران دراز کرده و متحداً با آنها در سطوح عالی‌تر به «مشارکت» و سپس «خودگردانی» که همانا «کنترل کارگری» است، نایل آیند. البته چنانچه این سخنان از زبان سخنگویان دست دوم و سوم سرمایه داران و یا خادمان آنها در درون اتحادیه‌های کارگری زرد اروپایی، به زبان آورده می‌شود، تعجبی نداشت، اما قرار است این سخنان «نخبگان» کارگری ایران باشد که در نشریه‌ی «کار مزد» انتشار می‌یابد! بدیهی است که این گونه عقاید در نظریات اصلاح طلبانه و مماشات جویانه با بورژوازی ریشه دارد. برای توضیح این مطالب باید به ریشه این استدلال‌ها و مفهوم واقعی «کنترل کارگری» و «مدیریت کارگری» نزد کارگران پیشرو، اشاره شود. ریشه نظری «مدیریت»، یا «مشاورت» و «خودگردانی» کارگری همراه با

از آن جایی که این مطالبات، در عصر اخیر، در پی هر حرکتی، به محور عملی مبارزات کارگری تبدیل شده است، یکی از پایه‌های اساسی مطالبات کارگران پیشرو را تشکیل می‌دهند و برای دوره‌ای تاریخی در رأس برنامه‌ی حزب پیش‌تاز انقلابی آتی در ایران قرار می‌گیرد. مطالبات انتقالی از لحاظ کیفی با مطالبات دموکراتیک، جزئی و «حداقل» متفاوت‌اند، زیرا مطالبات دموکراتیک و حداقل، هیچ یک نظام سرمایه داری را زیر سؤال نبرده و از مطالبات محوری درازمدت طبقه‌ی کارگر نمی‌توانند باشند.

در عصر انقلابات، دینامیزم مبارزات طبقاتی از مبارزه حول مطالبات دموکراتیک و حداقل، فراتر می‌رود. برخی نیز بر این باورند که با طرح شعار «سرنگونی رژیم» به تنهایی طبقه‌ی کارگر را برای تدارک رودرویی با رژیم آماده می‌کنند. محققان این طور نیست! طرح این سرنگونی، بدون طرح شعارهای محوری کارگری صرفاً در سطح تبلیغاتی باقی می‌ماند. افزایش چند شعار «دموکراتیک» بر شعار «سرنگونی رژیم» نیز طبقه‌ی کارگر را برای مبارزه‌ی روزمره با رژیم نمی‌تواند سازمان دهد. تنها یک سلسله از مطالبات مشخص و ملموس انتقالی است، که از آگاهی کنونی طبقه‌ی کارگر آغاز شده، آن‌ها را گام به گام برای سرنگونی رژیم می‌تواند آماده کند.

برنامه‌ی طبقه‌ی کارگر ترکیبی از مطالبات «حداقل»، «حداکثر» سنتی، «دموکراتیک» و «انتقالی» است. البته در رأس این برنامه، مطالبات انتقالی قرار گرفته‌اند، زیرا که رودرویی روزمره‌ی «کار» و «سرمایه» را به طور پیگیر تشدید می‌کند و وضعیت را برای کسب اعتماد به نفس و نهایتاً تسخیر قدرت توسط طبقه‌ی کارگر آماده می‌کند.

"توهم" در باره‌ی «کنترل کارگری»؟

چند سال پیش مقاله‌ای تحت عنوان «شوراها و توهم کنترل کارگری» توسط سعید رهنما در «کارمزد» (جلد سوم) در ایران انتشار یافته است. مقاله به منظور توضیح مفهوم «کنترل کارگری» در این نشریه منتشر شده بود. نویسندگان پس از یک برخورد تاریخی به ظهور

اجرا شد. پس از آن، شعری از ناظم حکمت تحت عنوان " ارتش گرسنگی پیش میرود " توسط یکی از شرکت کنندگان تقدیم گردید. سپس نماینده " شورای زنان " پانیه ای را در ارتباط با کشتار کارگران خاتون آباد ارائه داد که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت. و در ادامه قطعنامه ای در رابطه با کشتار کارگران خاتون آباد از طرف نماینده " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " قرائت شد که در آن خواست هایی در راستای شناسایی عاملین کشتار کارگران خاتون آباد، خواست ایجاد تشکل و تجمع، آزادی فعالین کارگری در بند و محکوم کردن جنگ افروزی مطرح شد و در پایان نماینده دانشجویان در محکوم کردن کشتار کارگران خاتون آباد و هم چنین پافشاری بر هم کاری واتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری مباحثی را ارائه کرد.

(کارگری) دارد. در نظام سرمایه داری تمام ابزار تولیدی و مراکز اداری و نظارت و کنترل از طبقه کارگر سلب شده و به دست نمایندگان سرمایه داری سپرده شده است. مسئله بر سر آن است که چگونه می توان، در درون نظام سرمایه داری و پس از آن، این تدارکات اولیه و ضروری را برای کسب تجربه کافی بدست آورد؟ پاسخ تاریخی جنبش کارگری در سطح بین المللی این است که با طرح مطالبه « کنترل کارگری » زمینه اولیه برای مقابله با نظام سرمایه داری گشوده می شود. تنها گرایشاتی که مایل به شکستن چارچوب نظام سرمایه داری نمی باشند (رفرمیست های جنبش کارگری) در مقابل این مطالبه ایستادگی می کنند.

۲۱ آذر ۱۳۸۷ از میلیتانت شماره ۱۹

گزارشی از برگزاری مراسم گرامیداشت، کارگران جانبخته مس خاتون آباد کرمان

امروز، ۴ بهمن ماه ۱۳۸۷، کارگران و فعالین کارگری متشکل در " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "، " شورای زنان سندج " و جمعی از دانشجویان در اقدامی مشترک، در پنجمین سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، در دامنه کوه آبیدر سندج، از ساعت ۱۰/۳۰ صبح تا ساعت ۱۲ بعدازظهر دست به تجمع زدند

گرامی داشت یادمان، کشتار کارگران خاتون آباد، به یک سنت در بین کارگران و فعالین کارگری در داخل و خارج از ایران تبدیل شده و در همین راستا هر ساله در چنین روزی فعالین جنبش کارگری در سندج به هر شکل ممکن تجمعات خاصی را سازماندهی و یاد عزیزان جانبخته را گرامی و نسبت به این کشتار و وحشی گری حامیان سرمایه اعتراض میکنند.

در این مراسم، ابتدا به یاد تمامی جان باختگان راه رهایی یک دقیقه سکوت اعلام شد. در ادامه سرود " انترناسیونال " سرود همبستگی جهانی کارگران، با همکاری و همراهی جمعی حاضرین

تصویب آن و به اجرا در آمدنش در چارچوب دولت بورژوازی، مسائلی ثانوی هستند. تنها دلیل وجود و منشاء قدرت کارگری در درون طبقه کارگر است، در توانایی سیاسی این طبقه، در قدرت عملی که این طبقه در اختیار دارد به مثابه عامل تعیین کننده و غیرقابل تغییر در تولید و به عنوان نیروی سازمانده سیاسی و نظامی " (نظم نوین ۱۰ فوریه ۱۹۲۱، منتخب آثار سیاسی گرامشی ۱۹۲۱-۲۶ انتشارات Lawrence & Wishart). " هم چنین بحث های مشابه ای در سال ۱۹۳۹ در مورد « نظارت کارگری » بر صنایع ملی شده در مکزیک در جریان بود که در این دوره نیز حزب استالینستی مکزیک مواضع رفرمیستی اتخاذ کرده بود و مارکسیست های انقلابی در مقابل مواضع فرصت طلبانه و فرقه گرایانه موجود در جنبش کارگری، اعلام موضع کردند. (۴) موارد بسیاری نیز در تاریخ جنبش کارگری مشاهده شده که همواره رفرمیست های درون جنبش کارگری، تحت لوای « مشارکت » کارگری خواهان ممانعت با بورژوازی شده اند. امر مسلم این است که در هیچ موردی این قبیل « مشارکت » ها به نفع کارگران تمام نشده و همواره آنها را ضعیف تر از پیش کرده است.

چرا؟

علت آن ساده است. تاریخ بارها نشان داده است که طبقه کارگر برای تحقق خواست های ریشه ای خود نیازه قدرت سیاسی دارد. رشد نیروهای مولده و شکوفایی اقتصادی و حل تکالیف دمکراتیک و سوسیالیستی در جامعه تنها می تواند با براندازی ریشه ای نظام بورژوازی (که مسدود کننده رشد نیروهای مولده است) تحقق یابد. طبیعی است که طبقه کارگر نمی تواند همراه با طبقه ای که خواهان استثمار، سرکوب و ارباب آن است، همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد. هرگونه همزیستی و آشتی (موقت و دائمی)، به نفع قدرت حاکم تمام می شود و امر به قدرت رسیدن طبقه کارگر را به تعویق می اندازد.

اما، تدارک برای این قدرت سیاسی یک روزه و بلافاصله پس از براندازی طبقه سرمایه دار بدست نمی آید. طبقه کارگر برای اعمال قدرت سیاسی، نیاز به تجربه کافی و لازم در امور مدیریت

به بهانه ی پنجمین سالگرد حرکت اعتراضی کارگران مس خاتون آباد

پنج سال پیش در روزهای پایانی دی ماه ۱۳۸۲ کارگران مس خاتون آباد در مبارزه ای نابرابر در اعتراض به نبود امنیت شغلی و استخدام دائم به مصاف حاکمیت سرمایه داری عنان گسیخته ای رفتند که از سالیان پیش تهاجم کم نظیری را بر معیشت و زندگی کارگران سازمان داده بود. اما کارگران در اعتراضات متحدانه ی خود مقاومت جانانه ای از خود نشان دادند، حرکت اعتراضی ۲۰۰ نفر از کارگران اخراجی مس خاتون آباد به همراه خانواده های شان بعد از هفت روز به داخل شهر بابک کشیده شد، که با یورش همه جانبه ی نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شد، در این حرکت اعتراضی ۴ نفر از کارگران و یک دانش آموز به جمع جان باختگان جنبش کارگری پیوستند. در پی حمله ی خونین عوامل سرمایه داری به کارگران خاتون آباد، فعالین کارگری در داخل و خارج از کشور به تناسب شرایط خود اعتراضاتی را علیه این تهاجم وحشیانه سازمان دادند.

دوستان و هم زمان فعالین کارگری: از آن سال تاکنون جنبش کارگری شاهد وقایع مهم و

قابل تأملی بوده است. در روز اول ماه مه ۱۳۸۳ کارگران سقز در حرکتی مستقل برگزاری اول ماه مه را به خیابان های شه ر کشاندند، که نهایتاً منجر به دستگیری و محاکمه ی محمود صالحی و تنی چند از فعالین کارگری شد. در ادامه نیز شاهد تشکیل کمیته های فعالین کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بوده ایم. در این طول این سال ها هفته ای نبوده است که شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری به منظور توقف اخراج های گسترده و تأمین امنیت شغلی نبوده باشیم. اما بعد از این همه مبارزات بی وقفه نه تنها قراردادهای موقت لغو نشده است، بلکه تبدیل به قراردادهای یک ماهه و سفید امضا شده اند، نه تنها دستمزدی افزایش نیافته، بلکه سایه ی سنگین فقر بر زندگی کارگران بیش از پیش سنگینی میکند، اخراج های دسته جمعی هم چنان ادامه دارد، روز به روز بر تعداد کودکان کار که به واسطه ی فقر خانواده تحت فشار والدین درس و مدرسه را رها کرده و وارد بازار کار می شوند. آری همه ی این ها واقعیات تلخی است که سایه ی شوم خود را هم چنان بر زندگی هم طبقه ای های مان حفظ کرده است. بی گمان ما و بسیاری از فعالین کارگری دریافته ایم که چاره ی کارگران ایجاد تشکیلات مستقل کارگری است، اما سؤال بزرگی که می بایست پیش روی ما فعالین کارگری باشد این که؛ به طور واقعی ما در جهت لغو قراردادهای موقت و جلوگیری از تصویب قوانین ضد کارگری در مجالس اصلاح طلبان و اصول گرایان چه اقدامات مؤثری انجام داده ایم؟ چرا با وجود این همه فعالیت کارگری در کمیته ها و تشکلات موجود کارگری، حاکمیت سرمایه داری هم چنان حوزه ی تهاجم خود را بیش از پیش در عرصه های گوناگون تسری می دهد؟ تردیدی نیست که ما با سرمایه داری تا بُن دندان مسلح که همواره با ابزار اختناق و سرکوب مقاصد خویش را پی می جوید، روبرو هستیم، اما علیرغم فشار بی امان این حاکمیت اختناق ما می توانستیم و می توانیم ریل مبارزات خود را در پیشبرد فعالیت کارگری به گونه ای قرار دهیم که هر چه بیشتر در کنار توده ها و بدنه ی کارگری جان به لب

رسیده از زندگی فلاکت بار خویش باشیم. ما دریافته ایم که ارتباط تنگاتنگ در محیط کار و زیست کارگران و انتقال آگاهی از این طریق پتانسیل آنان را در سازمان پذیری و فرهنگ تشکل پذیری بالا خواهد برد. ما در این سال ها به تجربه دریافته ایم که عزیمت برای متحقق کردن امنیت شغلی، افزایش دستمزد و ایجاد تشکل های مستقل کارگری بی تردید از درون محیط کار شروع می شود. ما می توانیم ضمن ایجاد این ارتباط، اقدام به تشکیل جمع های کوچک کارگری تحت هر نامی کمیته های کارگری یا هسته های کارگری، هم سر نوشتان خود را در پیشبرد مبارزات خویش یاری و همراهی نماییم. ما از طریق همین جمع های کوچک کارگری می توانیم در جهت گیری اعتراضات کارگری، در توهم زدایی کارگران به این که ممکن است از جانب نمایندگان و مدیران نظام سرمایه داری چراغی برای آنان روشن شود، در تحمیل همه جانبه و مهم تر از همه، حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری، نقش مؤثری ایفا کنیم. فعالیت سازمان یافته برای تمامی این مطالب نه بیرون از کارخانه، بلکه عمدتاً در درون محیط کار می بایست صورت گیرد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۱۳۸۷/۱۰/۳۰

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com

ما دریافته ایم که ارتباط

تنگاتنگ در محیط کار و

زیست کارگران و انتقال

آگاهی از این طریق پتانسیل

آنان را در سازمان پذیری و

فرهنگ تشکل پذیری بالا

خواهد برد

اطلاعیه شماره یک درباره

سومین گردهمایی سراسری درباره کشتار

زندانیان سیاسی در ایران

مجال

بی رحمانه اندک بود و

واقعه

سخت

نامنتظر.

از بهار

حظاً تماشایی نچشیدیم،

که قفس

باغ را پژمرده می کند.

از آفتاب و نفس

چنان بریده خواهیم شد

که لب از بوسه ی ناسیراب.

برهنه

بگو برهنه به خاک ام کنند

سراپا برهنه

بدان گونه که عشق را نماز می بریم، —

که بی شایبه ی حجابی

با خاک

عاشقانه

در آمیختن می خواهیم.

احمد شاملو، در آمیختن

مجال برای بسیاری از ما اندک بود و کشتار انبوه انبوه تر از آن که در تلخ ناکترین کابوس های بشری بگنجد. قفس، برای قلب بزرگ عاشقان دیارماتنگ بود و چوبه های دار در انتظار خاموش ساختن تپش قلبهانشان برپا. تا نشنویم تپش قلب هاشان راو نگوئیم که ما نیز امید به فردایی داریم تا نیاندیشیم که به گونه ای

خواهد کرد تا آثار و اسناد این جنایات را از بین بردولی همواره بامعضل خانواده ها بویژه درنوروز و شهریور ماه هر سال روبرو بوده است.

پس از سال ها برای اولین بار یکی از نهادهای بین المللی (امنیتی اینترناسیونال) دربیستمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰مهر سکوت و نادیده گرفتن را شکسته و کشتار دهه ۶۰ را بمنزله جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته و رژیم جمهوری اسلامی را محکوم و عاملین این کشتار را قابل پیگرد اعلام نمودند، که این نشان دهنده تلاش بی وقفه خانواده جان فشانان، دانشجویان، یاران جان به در برده از کشتارهای دهه ۶۰ و نیروهای رادیکال و انقلابی در داخل و خارج کشور بوده است.

اکنون پس از سه سال که طرح های مختلف رژیم برای محو و نابودی خاوران با شکست روبرو شده است، این بار شاهد آن هستیم که با شخم زدن گورهای جمعی تلاش بر این دارند که آثار این جنایت را به هر صورتی که هست از بین ببرند و با این خیال خام که می توانند پس از درخت کاری و تغییر کاربری آنجا، و زمینه سازی لازمه، سمبل مقاومت یک نسل را برای همیشه نابود سازند. غافل از این که **خاوران همیشه زنده می ماند و در قلب ها جای خواهد داشت.**

گفتگوهای زندان ضمن محکوم نمودن این عمل وقیحانه رژیم، از تمامی خانواده جانفشنان، مردم زحمتکش، دانشجویان، نیروهای رادیکال و انقلابی و تمامی انسان های آگاه می خواهد ضمن افشای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باتمام توان خود علیه این حرکت ضد بشری اقدام نمایند. باشد که با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و نابودی سرمایه داری جشن پیروزی را در گلزار جانفشنان و در خاوران برگزار نمائیم.

گفتگوهای زندان

<http://www.dialogt.org/2009/Januar/khavaran.html>

خاوران

سند جنایت نظام سرمایه داری

جمهوری اسلامی است

در اطلاعاتی های بعدی، محل و زمان دقیق گردهمایی اعلام خواهد شد.

جلسه بحث و تبادل نظر درباره

سومین گردهمایی سراسری

برای تبادل نظر گسترده تر با همه علاقه مندان، جلسه پالتاکی ای در تاریخ: **شنبه ۱۴ فوریه ۲۰۰۹، از ساعت ۲۰ به وقت اروپای مرکزی در اتاق پالتاکی ایران پویش**

category: Middle East>
subcategory: Iran> room:
IRAN Pouyesh

برگزار خواهد شد. از همه شما دوستان، یاران و به ویژه زندانیان سیاسی سابق دعوت می کنیم که در این جلسه حضور یافته و از آغاز به روند هم یاری و هم کاری برای برگزاری سومین گردهمایی سراسری بپیوندید. همچون گردهمایی های پیشین، دخالت فعال شما در بحث ها و کارهای عملی سومین گردهمایی سراسری در تابستان ۲۰۰۹، کمکی بزرگ در پر بار تر ساختن این کار زار دائمی بر علیه سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام خواهد بود.

کمیته برگزارکننده گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران

۲۲ ژانویه ۲۰۰۹

آدرس تماس:

tondardialog@web.de

اینترنت: <http://www.dialogt.org>

خاوران همیشه زنده می ماند

خطاب به تمامی انسانهای آزاده و آگاه

چرا خاوران سند نسل کشی و حذف وحشیانه نیروهای رادیکال و انقلابی بار دیگر مورد یورش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است؟ حضور گسترده خانواده جانفشنان در طول سالیان سیاه سرکوب و کشتار دهه ۶۰ در برابر زندان ها و گورستان های بی نام و با نام کشور مان هم واره افشاگر چهره رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بوده است. رژیمی که همواره منکر وجود زندانیان سیاسی و مخالفان عقیدتی بوده و خواهد بود، از این رو تلاش کرده و

دیگر می توان زیست، می توان عاشق شد و می توان جنگید! می توان آزادی و عدالت را برای همه انسان ها خواست و ای بسا تنها برای همین خواست، سال ها شکنجه و زندان را تحمل کرد.

کشتارهای سراسری جمهوری اسلامی و زندان های انبوه از زندانیان سیاسی، با این رژیم آغاز شده و تا زمانی که این رژیم بر اریکه قدرت است، ادامه خواهد یافت. ما، بازماندگان و جان بدربرندگان از چنین فجایعی، تلاش خود را برای مستند سازی و توقف کشتارها و سرکوب ها ادامه خواهیم داد. ما حقیقت را بر سرچوبه های دار دیده ایم. ما حقیقت را تکه تکه شده در زیر کابل های شکنجه دیده ایم و لمس کرده ایم. بیایید تا درباره این حقایق با هم گفتگو کنیم.

به اطلاع همه علاقمندان و عزیزان می رسانیم که سومین گردهمایی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی ایران در تابستان ۲۰۰۹ برگزار خواهد شد. کارهای تدارک، تعیین موضوعات کاری و سبک کار، با مشورت و تبادل نظر جمعی آغاز شده و امید است که به دست آورد هایی همه جانبه تر از دو گردهمایی پیشین دست یابیم.

محل برگزاری گردهمایی

شهر هانوفر (آلمان) امسال میزبان همه عزیزان و علاقمندان به شرکت در گردهمایی سراسری خواهد بود. کمیته برگزارکننده از تک تک شما دعوت می کند تا در برگزاری و پیشبرد کارهای سومین گردهمایی ما را یاری کرده و همراه با یکدیگر گامی دیگر در ثبت فجایع و افشاء جنایات چند دهه اخیر برداریم.

زندانین سیاسی سابق در رژیم شاه و بازماندگان و جان بدر بردگان از کشتارهای رژیم جمهوری اسلامی، فعالین سیاسی، اجتماعی، طبقاتی و نیز هنرمندان و نویسندگان در طول سالهای اخیر نشان داده اند که در این راه پیشقدم بوده اند.

به همین دلیل از همه یاران، دوستان، و همه آزادیخواهان مبارز دعوت می کنیم تا با شرکت و هم راهی خود، ما را در برگزاری سومین گردهمایی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی یاری دهند.